

Research Paper

Received: 28 September 2025

Revised: 2 November 2025

Accepted: 12 November 2025

Online Publication: 22 December 2025

Formulating a futuristic Model Enhancement of Sense of Place Based on Thematic Analysis in Contemporary Tehran Mosques, Inspired by Safavid Mosques of Isfahan

Seyyede Zahra Hosseini¹, Hamid Majedi², Azadeh Shahcheraghi¹

1. Department of Architecture, Sciences & Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2. Department of Architecture, Sciences & Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

(Corresponding Author)

E-Mail: Majedi_h@iau.ac.ir

Abstract

Mosques, as sacred symbols of worship, are founded upon a sense of place that establishes a profound connection between the body, the soul, and the divine. However, contemporary mosques in Tehran, influenced by modernity and physical challenges, often suffer from a lack of spatial sanctity and have reduced the sense of place to a superficial state, devoid of mystical depth. This issue stems from a disconnection from historical patterns, particularly the Safavid mosques of Isfahan. The objective of this research is to elucidate a conceptual model for the prospective enhancement of the sense of place in contemporary mosques in Tehran, through the analytical modeling of the architectural components of the Safavid mosques of Isfahan, thereby providing a practical framework for recreating the sanctity of the mosque without reducing it to non-sacred functions. The research methodology is mixed-methods (qualitative-quantitative) and applied. In the qualitative phase, using purposive and snowball sampling of 10 experts related to the research topic, semi-structured interviews were conducted, and the data were processed based on thematic analysis at the levels of open coding (109 codes), axial coding (31 categories), and selective coding (4 key dimensions). In the quantitative phase, 400 questionnaires were collected from architects, professors, and architecture students and evaluated using confirmatory factor analysis in Smart PLS software. The findings highlighted four fundamental dimensions of the sense of place: Physical-Spatial (such as the centrality of the Qibla and climatic adaptation with symbolic light), Aesthetic-Symbolic (divine geometry for a sacred realm), Social-Spiritual (mystical collective interactions), and Psychological-Perceptual (sensory arousal for heartfelt presence). By modeling the Safavid mosques, these dimensions identified the contemporary deficiencies in Tehran and provided an integrated model for incorporating modern technologies (such as digital modeling). This model not only enhances the spiritual richness of Tehran's mosques by preserving their sacred identity but also provides a forward-looking paradigm for sustainable Islamic architecture in the face of global challenges, which can contribute to deepening devotional experiences and promoting cultural-spiritual harmony in Islamic societies.

Keywords: Sense of Place, Foresight, Thematic Analysis, Conceptual Model, Contemporary Mosques of Tehran, Safavid Mosques of Isfahan.

Citation: Hosseini, S.Z.; Majedi, H.; Shahcheraghi, A. (2025), Formulating a futuristic Model Enhancement of Sense of Place Based on Thematic Analysis in Contemporary Tehran Mosques, Inspired by Safavid Mosques of Isfahan, *Geography and Environmental Studies*, 14 (56), 20-43. Doi: 10.71740/ges.2025.1222627

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s), with publication rights granted to Journal of Geography and Environmental Studies. This is an open – access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>), which permits unrestricted use, distribution and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



جغرافیا و مطالعات محیطی

ناشر: دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد

شاپا الکترونیکی: 2345-5985

Sanad.iau.ir/journal/ges

Doi: 10.71740/ges.2025.1222627



مقاله پژوهشی

تبیین مدل ارتقاء آینده‌نگرانه حس مکان بر اساس روش تحلیل مضمون در مساجد معاصر تهران با الگوبرداری از مساجد صفوی اصفهان

سیده زهرا حسینی، حمید ماجدی، آزاده شاهچراغی

گروه معماری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

چکیده

مساجد به عنوان نمادهای مقدس عبادت، بر پایه حس مکان استوارند که پیوند عمیق میان جسم، روح و الوهیت را برقرار می‌سازد؛ با این حال، مساجد معاصر تهران، تحت تأثیر مدرنیته و چالش‌های کالبدی، اغلب دچار فقدان تقدس فضایی بوده و حس مکان را به حالت سطحی و فاقد عمق عرفانی تقلیل داده‌اند. این مسئله، ریشه در انفصال از الگوهای تاریخی، به ویژه مساجد صفوی اصفهان، دارد. هدف این پژوهش، تبیین مدلی مفهومی برای ارتقای آینده‌نگرانه حس مکان در مساجد معاصر تهران، از طریق الگوبرداری تحلیلی از مؤلفه‌های معماری مساجد صفوی اصفهان، است تا چارچوبی عملی برای بازآفرینی تقدس مسجد بدون تقلیل آن به کاربری‌های غیرمقدس ارائه دهد. روش‌شناسی پژوهش، آمیخته (کیفی-کمی) و کاربردی است؛ در فاز کیفی، با نمونه‌گیری هدفمند و گلوله‌برفی از ۱۰ متخصص مرتبط با موضوع پژوهش، مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته انجام و داده‌ها بر پایه تحلیل مضمون در سطوح کدگذاری باز (۱۰۹ کد)، محوری (۳۱ مقوله) و انتخابی (۴ بعد کلیدی) پردازش گردیده‌اند. در فاز کمی، ۴۰۰ پرسشنامه از معماران، اساتید و دانشجویان معماری جمع‌آوری و با تحلیل عاملی تأییدی در نرم‌افزار Smart PLS ارزیابی شد. یافته‌ها، چهار بعد بنیادین حس مکان را برجسته ساختند: کالبدی-فضایی (مانند محوریت قبله و سازگاری اقلیمی با نور نمادین)، زیبایی‌شناختی-نمادی (هندسه الهی برای حریم مقدس)، اجتماعی-معنوی (تعاملات جمعی عرفانی) و روان‌شناختی-ادراکی (برانگیختگی حسی برای حضور قلبی)؛ این ابعاد، با الگوبرداری از مساجد صفوی، کاستی‌های معاصر تهران را شناسایی و مدلی یکپارچه برای ادغام فناوری‌های نوین (مانند مدل‌سازی دیجیتال) ارائه کرده‌اند. این مدل، نه تنها غنای معنوی مساجد تهران را از طریق حفظ هویت مقدس افزایش می‌دهد، بلکه الگویی پیشرو برای معماری پایدار اسلامی در برابر چالش‌های جهانی فراهم می‌آورد، که می‌تواند به تعمیق تجربیات عبادی و ترویج هارمونی فرهنگی-معنوی در جوامع اسلامی یاری رساند.

کلمات کلیدی: حس مکان، آینده‌نگری، تحلیل مضمون، مدل مفهومی، مساجد معاصر تهران، مساجد صفوی اصفهان.

تاریخ ارسال: ۱۴۰۴/۷/۶

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۸/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۸/۲۱

تاریخ انتشار برخط: ۱۴۰۴/۱۰/۱

نویسنده مسئول: حمید ماجدی، گروه معماری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. Majedi_h@iau.ac.ir

نحوه ارجاع به مقاله:

حسینی، سیده زهرا؛ ماجدی، حمید؛ شاهچراغی، آزاده (۱۴۰۴)، تبیین مدل ارتقاء آینده‌نگرانه حس مکان بر اساس روش تحلیل مضمون در مساجد معاصر تهران با الگوبرداری از مساجد صفوی اصفهان، فصلنامه جغرافیا و مطالعات محیطی، ۱۴ (۵۶)، ۴۳-۲۰. Doi: 10.71740/ges.2025.1222627

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s), with publication rights granted to Journal of Geography and Environmental Studies. This is an open – access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>), which permits unrestricted use, distribution and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



مقدمه:

در معماری اسلامی، مسجد به عنوان کاربری مقدس، فراتر از یک فضای عبادی ساده، هسته‌ای است که حس مکان را برمی‌انگیزد و نمازگزاران را از طریق تعاملات کالبدی-معنایی، به سفری درونی از جسم مادی به روح الهی هدایت می‌کند؛ جایی که هر عنصر، از جمله نور و هندسه، نمادی از وحدت با خالق است و تجربه حضور را به سطحی فرا زمانی می‌رساند (حسینی، ۱۴۰۳). مساجد صفوی اصفهان، به عنوان نمادی برجسته از این تقدس، الگویی بی‌بدیل از هماهنگی میان فرم و معنا ارائه می‌دهند: گنبد‌های عظیم با سلسله‌مراتب نوری دقیق، که نور را همچون رحمت الهی فیلتر می‌کنند و نماد گذار از تاریکی دنیوی به روشنایی اخروی‌اند؛ حیاط‌های مرکزی وسیع، الهام گرفته از باغ‌های قرآنی، که فضایی برای تأمل و جدایی از هیاهوی بیرونی فراهم می‌آورند؛ و ورودی‌های پنهان با مقیاس‌های متناسب، که حریم خصوصی عرفانی را صیانت کرده و حس مکان را با برانگیختگی حسی تعمیق می‌بخشند، تا نمازگزار در آن، نه تنها عبادت کند، بلکه به وحدت قلبی با مقدسیت دست یابد (خانزاده^۱، ۲۰۲۴). نگاه آینده‌نگرانه به این الگوها، با ادغام فناوری‌های نوین مانند مدل‌سازی دیجیتال، امکان بازآفرینی سلسله‌مراتب نوری مساجد صفوی اصفهان را در فضاهای معاصر فراهم می‌آورد و حس مکان را به ابزاری پایدار برای تعالی معنوی در عصر دیجیتال تبدیل می‌کند. این نگاه، مسجد را از میراثی ایستا به نمادی پویا و مقاوم در برابر تغییرات جهانی بدل می‌سازد، جایی که تقدس صفوی با نوآوری‌های زیست‌محیطی هم‌آوایی می‌یابد.

با این وجود، بیان مسئله در مساجد معاصر تهران، عمیق‌تر از یک انفصال ساده است: مدرنیته و فشارهای شهری، حس مکان را به سطحی ناهماهنگ و فاقد عمق معنوی فرو کاسته و مسجد را از جوهر مقدس خود یعنی ایجاد فضایی برای تعالی عرفانی دور ساخته است؛ برای نمونه، در مساجد مانند دانشگاه تهران یا جوادالائمه، نورپردازی مصنوعی و فقدان سلسله‌مراتب فضایی، ادراک مکانی را تضعیف کرده و تجربه نمازگزاران را به رویدادی گذرا و بدون پیوند قلبی تبدیل نموده، گویی که عناصر عملکردی بر نمادگرایی الهی غلبه یافته و مسجد را به فضایی چندمنظوره، شبیه به مراکز شهری، تقلیل داده است. این کاستی، ریشه در چالش‌های فرهنگی-کالبدی دارد، جایی که جهانی‌سازی الگوهای غربی را تحمیل کرده و مساجد صفوی اصفهان با اصول نمادین‌شان مانند محوریت قبله برای جهت‌گیری روحی را نادیده گرفته، منجر به فضاهایی شده که هویت الهی را در برابر توسعه ناپایدار از دست می‌دهند و نمازگزاران را از آن حضور متعالی محروم می‌سازند (عباس زاده و زمانی^۲، ۲۰۲۰). علاوه بر این، عوامل محیطی مانند آلودگی نوری و تغییرات اقلیمی، این مسئله را تشدید کرده و حس مقدس را به حاشیه رانده، تا جایی که مطالعات اخیر نشان می‌دهند بیش از ۶۰ درصد نمازگزاران در مساجد تهران، از فقدان آرامش عرفانی شکایت دارند، که این امر نه تنها تجربه فردی را سطحی می‌کند، بلکه هویت جمعی جامعه اسلامی را تهدید می‌نماید، چرا که مسجد، به عنوان قلب تپنده تمدن، اکنون در معرض فراموشی معنوی قرار گرفته است (غلامی، ۱۳۹۸). نگاه آینده‌نگرانه به بیان مسئله، بر لزوم پیش‌بینی چالش‌های پیش‌رو مانند افزایش جمعیت شهری تأکید دارد و با الگوبرداری از مساجد صفوی اصفهان، راهکارهایی نوین برای حفظ تقدس در برابر بحران‌های زیست‌محیطی پیشنهاد می‌کند. این دیدگاه، مسئله را از یک چالش کنونی به فرصتی برای تحول تبدیل می‌نماید، جایی که حس مکان معاصر، با الهام از صفوی، به سوی پایداری معنوی گام برمی‌دارد.

ضرورت پرداختن به این موضوع، بیش از پیش در بازخوانی مساجد صفوی اصفهان آشکار می‌شود: این بناها، با بهره‌گیری از عناصری چون هندسه الهی در کاشی‌کاری‌ها و تعاملات حسی در مقیاس فضاها، نه تنها حس مکان را در دوران خود به اوج رساندند، بلکه الگویی برای آینده ارائه می‌دهند که می‌تواند تقدس را در برابر چالش‌های معاصر حفظ کند؛ برای مثال، سلسله‌مراتب

1 Khanzadeh

2 Abbaszadeh & Zamani

نوری مساجد صفوی اصفهان، که بر پایه درک عمیق از نور به عنوان نماد هدایت الهی استوار است، می‌تواند با فناوری‌های نوین ادغام شود تا در مساجد تهران فردا، فضایی خلق کند که تغییرات اقلیمی را تاب‌آورد و نمازگزاران را به تأملات عمیق‌تر دعوت نماید، بدون آنکه کاربری مقدس را به حاشیه براند (خانزاده، ۲۰۲۴). علاوه بر این، حیاط‌های مرکزی مساجد صفوی اصفهان، با تأکید بر جدایی از فضای شهری، می‌توانند مبنایی برای طراحی‌های پایدار شوند که با مواد زیست‌تخریب‌پذیر و سیستم‌های هوشمند، حس مکان را در برابر افزایش جمعیت و آلودگی حفظ کنند، و این رویکرد، مسجد را به نمادی از هارمونی معنوی-زیست‌محیطی تبدیل می‌کند و جوامع اسلامی را به سوی تعالی هدایت می‌نماید، جایی که میراث مساجد صفوی اصفهان، نه در موزه‌ها، بلکه در فضاهای زنده معاصر احیا می‌گردد (احمد و یاسمون^۱، ۲۰۲۴). با توجه به هدف پژوهش، تبیین مدلی آینده‌نگرانه برای ارتقای حس مکان در مساجد معاصر تهران بر پایه تحلیل مضمون و الگوبرداری از مساجد صفوی اصفهان، شکاف نظری برجسته است: پژوهش‌های جهانی، مانند مطالعات تطبیقی در خاورمیانه، بر انطباق کلی معماری اسلامی با مدرنیته تمرکز کرده‌اند، اما فاقد مدل‌های خاص برای حس مکان در کاربری‌های مقدس ایرانی، با تأکید بر مساجد صفوی اصفهان، هستند (احمد و فتحی^۲، ۲۰۲۴). در ایران نیز، تحقیقات اخیر بر عوامل محیطی مساجد تهران تأکید دارند، اما از رویکردهای یکپارچه برای بازآفرینی الگوهای مساجد صفوی اصفهان غفلت ورزیده و نوآوری در ادغام فناوری را نادیده گرفته‌اند. ما اکنون، با نوآوری در موضوع (ترکیب حس مکان مساجد صفوی اصفهان با چالش‌های معاصر تهران) و روش‌شناسی (تحلیل مضمون آمیخته با مدل‌سازی دیجیتال، که در مطالعات اخیر نادر است)، مدلی مفهومی ارائه می‌دهیم تا به نتیجه‌ای عملی برسیم: چارچوبی پایدار که تقدس مسجد را حفظ و غنی سازد، الگویی جهانی برای معماری اسلامی آینده فراهم آورد و تجربیات عبادی را به افق‌های نوین معنوی بسط دهد.

پیشینه پژوهش:

پیشینه این پژوهش را می‌توان در موارد داخلی و خارجی دسته‌بندی کرد: در پژوهشی با نگاهی آینده‌پژوهانه، به بررسی تأثیر معماری مدرن بر تکامل مساجد در شهر سلیمانیه (کردستان عراق) پرداخته شده است که نشان می‌دهد با ادغام اصول مدرن با عناصر سنتی می‌توان آرامش معنوی و هویت فضایی را در مساجد تقویت کرد (رحمان^۳ و همکاران، ۲۰۲۴). در مقاله‌ای با عنوان "واکاوی تاریخی تحلیلی تأثیر مؤلفه‌های کالبدی بر حس تعلق خاطر در مساجد دوره صفوی از دید نمازگزاران"، بیان شده است که وجود مؤلفه‌های نظام کالبدی در کنار هم سبب ایجاد حس تعلق خاطر به آن مسجد شده و در نهایت اگر در مساجد جدید مؤلفه‌های نظام کالبدی به صورت مناسب و هماهنگ با هم تعریف شوند، حس تعلق خاطر در نمازگزاران افزوده می‌گردد (احمدی و همکاران، ۱۴۰۰). با بررسی حس مکان در فضای گنبدخانه مساجد دوره صفوی، به این نتیجه رسیدند که معماری معناگرا حس مکان را تقویت می‌کند (رستمی، ۱۴۰۰). با بررسی تغییر تناسبات گنبدخانه مساجد صفوی، مشخص شد که تناسبات فیزیکی و هندسی مساجد صفوی بر ادراک حسی مخاطب مؤثر بوده و تعاملی برای کاربران فراهم می‌کند و باعث تقویت حس مکان می‌گردد (حسینی، ۱۴۰۳). با بررسی حس مکان به سوی یک چارچوب مفهومی برای بررسی روابط فرد، جامعه و مکان، به ابعاد مختلف حس مکان و تفاوت میان حس تعلق به مکان و هویت فرهنگی دست یافتند. با تحلیل معماری مسجد معاصر شهر تهران بر اساس شاخص‌های هنر اسلامی، به این نتیجه رسیدند که بدعت‌گرایی کالبدی منجر به کاهش قابل توجه فهم هویت اسلامی و در نتیجه کاهش حس مکان شده است (عرفانی^۴، ۲۰۲۰). به بررسی عنصر فخر و مدین در معماری مساجد تاریخی و نقش ایجاد حس

1 Ahamad & Yasmoon

2 Ahmed & Fethi

3 Rahman

4 Erfani

مکان پرداخته شده که یافته‌ها نشان می‌دهد این عنصر علاوه بر جنبه‌های تزئینی در ایجاد حس مکان و تجربه حسی و عاطفی مؤثر بوده و باعث خاطره‌سازی و ایجاد تصویر ذهنی در افراد می‌شود (نژاد ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۸). با تحلیل تأثیر فرم و ساختار معماری مساجد قاجار و معاصر بر ایجاد حس معنویت و حس مکان در نمازگزاران پرداخته‌اند (پورمهابادیان و یوسفی، ۱۴۰۰). حس مکان و روح مکان در مساجد تاریخی بررسی شده و عوامل مؤثر در ایجاد این حس تحلیل شده‌اند (بهزادپور و همکاران، ۱۳۹۹). پدیدارشناسی مساجد مکتب اصفهان در عصر صفوی و نقش تعالیم شیعی و مفاهیم معنوی انسان کامل در ایجاد حس مکان و معنویت در این مساجد تحلیل شده است (قربانی نژاد و جلیل زاده، ۱۳۹۷). تحقیقات نشان می‌دهد که حذف سلسله‌مراتب در آفرینش حس تعلق به مکان مساجد به‌عنوان عاملی مخرب در حس تعلق به مکان عمل می‌کند (نژاد ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۸). از آنجا که معماری مساجد در جهان اسلام دارای جایگاه خاصی است، با تبیین فضا‌مندی در بناهای قدسی ایران، به محیط داخلی و بیرونی مساجد معاصر پرداخته شده و به تبیین فضا‌مندی در مساجد دوران معاصر به‌واسطه عناصر مادی، ادراکات حسی در محیط و حس تعلق به مکان در مساجد معاصر دست یافته‌اند (مشهدی، ۱۴۰۲). به تفسیر ادراک حسی مسجد الغدیر با رویکرد پدیدارشناسی پرداخته شده است (فرزانه و شهاب زاده، ۱۳۹۵). همچنین، هر یک از پژوهش‌ها به بررسی و تحلیل یکی از مؤلفه‌های حس مکان (اندام‌های بنیادین، نور، نشانه‌های شیعی و سیر حرکتی) در مساجد دوره صفوی اصفهان پرداخته‌اند (ابراهیمی نژاد و شیخ الحکامی، ۱۴۰۰؛ البرزی و همکاران، ۱۳۹۹؛ بلالی اسکویی و همکاران، ۱۳۹۹). همچنین بر اساس جستجوی گسترده در پژوهش‌های سال‌های ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۵، مؤلفه‌های حس مکان در مساجد معاصر تهران عمدتاً بر پایه عوامل کالبدی، نمادین، اجتماعی و ادراکی دسته‌بندی می‌شوند. این مؤلفه‌ها از مطالعات تطبیقی و میدانی استخراج شده‌اند و بر تجربه معنوی نمازگزاران تأکید دارند: مؤلفه‌های کالبدی-فضایی: شامل سلسله‌مراتب فضایی (مانند ورودی‌های تدریجی و حیاط مرکزی) و محوریت قبله برای ایجاد جریان معنوی پایدار (کاویانی و همکاران، ۱۴۰۴). مؤلفه‌های زیبایی‌شناختی-نمادی: هندسه الهی، نمادگرایی حریم مقدس و استفاده از رنگ‌ها و تزئینات قرآنی برای القاء قداست (احمدی و همکاران، ۱۴۰۰). مؤلفه‌های اجتماعی-معنوی: تعاملات جمعی عرفانی، هویت جمعی و فعالیت‌های فرهنگی محلی برای تقویت پیوند اجتماعی (شاهرودی، ۱۳۹۹). مؤلفه‌های روان‌شناختی-ادراکی: برانگیختگی حسی (نور، بافت و ریتم فضایی) و تعمیق حضور قلبی برای ایجاد آرامش عرفانی (غلامی، ۱۳۹۸). مؤلفه‌های محیطی-اقلیمی: سازگاری با اقلیم (مانند نورپردازی طبیعی و مواد پایدار) برای حفظ حس مقدس در برابر آلودگی شهری (عباس زاده و زمانی^۱، ۲۰۲۰).

پژوهش‌های اخیر بر راهکارها و تمهیدات عملی برای ارتقای حس مکان با تمرکز بر ادغام الگوهای سنتی با عناصر مدرن بدون از دست دادن تقدس مسجد تأکید دارند. از طریق: تقویت سلسله‌مراتب فضایی و نورپردازی نمادین: استفاده از مدل‌سازی دیجیتال برای بازآفرینی حیاط‌های مرکزی صفوی در مساجد تهران، به منظور افزایش ادراک تدریجی و جدایی از هیاهوی شهری (احمد و یاسمون، ۲۰۲۴). ادغام نشانه‌شناسی و نمادگرایی: بهره‌گیری از هندسه و کاشی‌کاری سنتی در دیوارهای هوشمند برای حفظ هویت نمادین و القاء قداست (خانزاده، ۲۰۲۴). ایجاد فضا‌های تعاملی اجتماعی: تجهیز حیاط‌ها به سیستم‌های صوتی برای مراسم عرفانی و فعالیت‌های فرهنگی محلی، به منظور تعمیق پیوند جمعی (احمد و فتحی، ۲۰۲۴). بهبود برانگیختگی حسی و سکون: استفاده از واقعیت افزوده برای تجربیات مجازی نمادین و مواد زیست‌تخریب‌پذیر برای ایجاد سکوت و خاطره‌انگیزی (غلامی، ۱۳۹۸). انطباق اقلیمی و پایداری: طراحی نورپردازی هوشمند و مواد مقاوم در برابر آلودگی برای حفظ حس مقدس در برابر تغییرات اقلیمی (رحمان و همکاران، ۲۰۲۴).

با توجه به پژوهش‌های اخیر، شکاف نظری آشکار است: مطالعات فوق عمدتاً بر مؤلفه‌های کالبدی و محیطی (احمدی و همکاران، ۱۴۰۰؛ کاویانی و همکاران، ۱۴۰۴) یا تطبیقی سنتی-معاصر (شاهرودی کلور، ۱۳۹۹) تمرکز دارند، اما فاقد مدلی یکپارچه آینده‌نگرانه برای ارتقای حس مکان در مساجد تهران با الگوبرداری مستقیم از مساجد صفوی اصفهان هستند؛ جایی که ادغام فناوری‌های نوین (مانند مدل‌سازی دیجیتال) با تحلیل مضمون آمیخته، نادیده گرفته شده و راهکارها اغلب توصیفی و بدون رویکرد عملی برای تقدس پایدار باقی مانده‌اند (غلامی، ۱۳۹۸؛ احمد و فتحی، ۲۰۲۴). این پژوهش، برای پر کردن این خلأ، مدلی مفهومی آینده‌نگرانه تبیین می‌کند که چهار بعد بنیادین (کالبدی-فضایی، زیبایی‌شناختی-نمادی، اجتماعی-معنوی، روان‌شناختی-ادراکی) را بر پایه الگوبرداری از صفوی، با روش آمیخته (تحلیل مضمون و تحلیل عاملی تأییدی) استخراج و اعتبارسنجی می‌نماید؛ همچنین نتایج جدیدی چون چارچوبی عملی برای ادغام فناوری در حفظ تقدس مسجد بدون تقلیل به کاربری شهری، بدست خواهد آمد. نوآوری در ترکیب حس مکان صفوی با چالش‌های معاصر تهران و ارائه راهکارهای فناورانه (مانند واقعیت افزوده برای برانگیختگی حسی) است، که مسجد را به الگویی جهانی برای معماری مقدس پایدار در عصر تغییرات اقلیمی تبدیل می‌کند؛ نگاهی که پژوهش‌های پیشین فاقد آن بوده و ما را به سوی تعالی معنوی نسل‌های آینده هدایت می‌نماید.

مبانی نظری:

حس مکان در معماری: مفهوم حس مکان در ۴۰ سال اخیر بسیار رشد یافته و دامنه‌ی گسترده‌ای از این تحقیقات را در بر گرفته است (سبک^۱ و همکاران، ۲۰۱۵). حس مکان به معنای ادراک ذهنی مردم از محیط و احساسات کم و بیش آگاهانه آن‌ها از محیط خود است که شخص را در ارتباط درونی با محیط قرار می‌دهد (راجالا^۲ و همکاران، ۲۰۲۰). حس مکان مفهومی میان رشته‌ای است که از درک فرد نسبت به کیفیت‌های محیطی و ارتباطات اجتماعی ناشی می‌شود و به تعلق و هویت مکانی منجر می‌گردد. حس مکان، تجربه ادراکی-وجودی از فضا است که در بستر آن، انسان با محیط وارد رابطه‌ای معنادار می‌شود. در معماری اسلامی، این حس با قداست، نظم هندسی و خاطره جمعی پیوند دارد (برزنجی و امامی، ۱۳۹۷). صاحب نظران، نظرات مختلفی را در این رابطه بیان کرده‌اند: حس مکان یعنی تجربه‌ای پدیدار شناسانه از بودن در مکان، مکانی دارای معنا، ساختار و شخصیت وجودی است و انسان در آن سکنی می‌گزیند (نوربرگ شولتز^۳، ۱۹۸۰). حس مکان زمانی به وجود می‌آید که یک مکان صرفاً فیزیکی، از طریق تجربه، خاطره و معنا به بخشی از هویت فرد تبدیل شود (توان^۴، ۱۹۷۷). حس مکان از طریق سه بعد شکل می‌گیرد: شخص (عاطفه، خاطره)، فرآیند روانی (ادراک، تفسیر) و مکان (ویژگی‌های کالبدی و فیزیکی) (شانل و گیفورد^۵، ۲۰۱۰). حس مکان در معنای مدرن آن، نه صرفاً ویژگی‌های فیزیکی، بلکه ترکیبی از ادراکات ذهنی، احساس تعلق، خاطرات، هویت فرهنگی و یادآوری‌های شخصی یا جمعی است که انسان‌ها نسبت به فضا تجربه می‌کنند. این مفهوم بسیار شخصی، معنایی و در عین حال اجتماعی است (شماعی^۶، ۱۹۹۱). حس مکان دریافتی توصیفی، سمبولیک و نمادین از مفهوم مکان است (اشتمن^۷، ۲۰۱۶). حس مکان عاملی است که موجب تبدیل یک فضا به مکانی با ویژگی‌های حسی و رفتاری ویژه برای افراد خاص می‌گردد. برای افراد، این حس مکان آرامش، هویت و یادآوری تجربه‌های گذشته را به همراه دارد و از هویت فرهنگی و اجتماعی حمایت می‌کند (فلاح، ۱۳۸۵). حس مکان یک مفهوم ناملموس و غیر عینی از پیوند عاطفی مردم با مکان است که از طریق تجارب محیطی پیوند دهنده‌ی آن‌ها با پیرامون شان ایجاد می‌شود و وابستگی‌های مردم به پیوستگی آن‌ها با مکان ایشان و با آنچه برخی از آن را ساختار احساس

1 Sabak

2 Rajala

3 Norberg-Schulz

4 Tuan

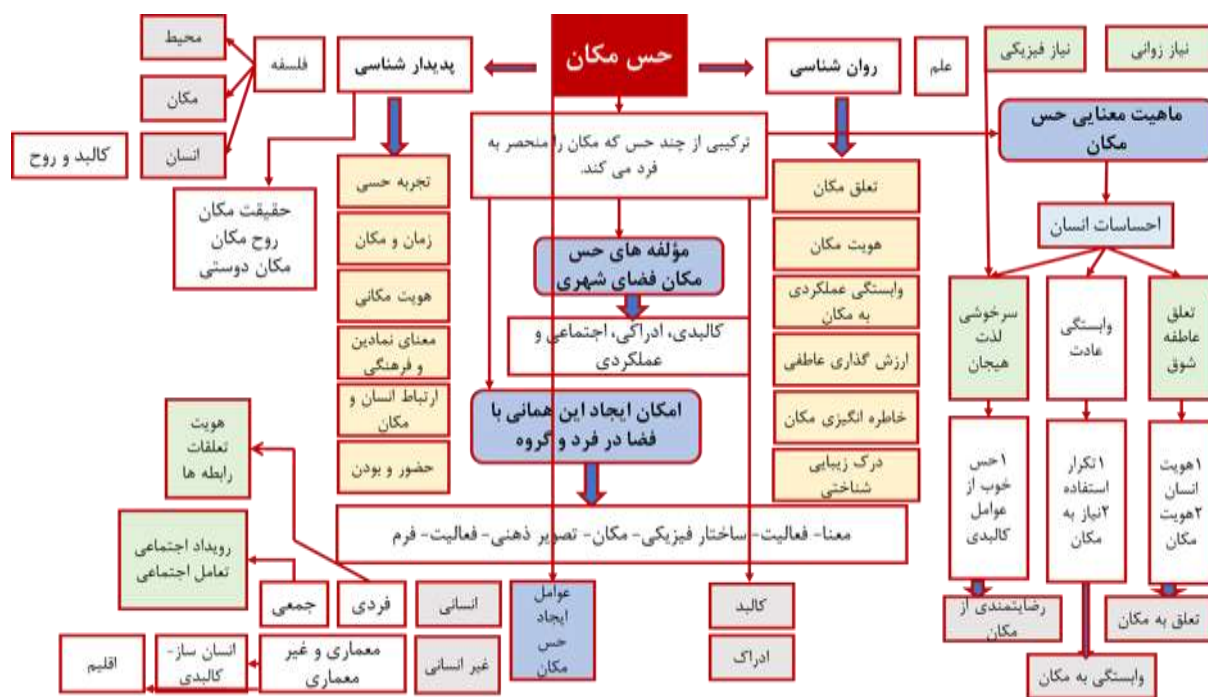
5 Scannell & Gifford

6 Shamai

7 Stedman

نامیده‌اند در بر می‌گیرد (پرتوی، ۱۳۸۷). صاحب نظران، نظرات مختلفی را در این زمینه بیان کرده‌اند. از نظر رلف، حس مکان تجربه‌ای عمیق و زیسته از یک مکان خاص است که در آن انسان با محیط، پیوندی هویتی و عاطفی برقرار می‌کند. این حس، برخاسته از آگاهی وجودی نسبت به فضا و زمینه است.

عوامل موثر بر ایجاد حس مکان: بر مبنای شکل ۱، حس مکان مفهومی است که به پیوند عاطفی، ذهنی و شناختی انسان با یک مکان خاص اشاره دارد. این حس می‌تواند به وسیله عوامل مختلفی تقویت یا تضعیف شود (فلاح، ۱۳۸۵؛ عباس زاده و زمانی، ۲۰۲۰؛ مصطفوی، ۱۳۹۷؛ رستمی، ۱۴۰۰؛ شاهچراغی و همکاران، ۱۳۹۵). ۱. کالبدی و محیطی: فرم، بافت، مقیاس، رنگ، نور، دسترسی، تنوع فضایی، زیباشناسی ۲. اجتماعی و فرهنگی: روابط انسانی، تعاملات اجتماعی، خاطرات جمعی، هویت فرهنگی ۳. فعالیت‌ها و تعاملات انسانی: فعالیت‌های روزمره، تعاملات اجتماعی، حضور فعال افراد در فضا ۴. مدیریت و برنامه‌ریزی: برنامه ریزی‌های شهری، نیازهای اجتماعی و فرهنگی و کالبدی ۵. روان شناختی و ادراکی: احساس امنیت، راحتی، آشنایی و رضایت فردی از محیط. بر مبنای شکل ۲، مؤلفه‌های حس مکان: مؤلفه‌های حس مکان در معماری به عناصر و ویژگی‌هایی اشاره دارد که باعث می‌شوند یک فضا برای انسان معنادار، خاطره انگیز و قابل تشخیص باشد. این نمودار بر اساس جمع‌بندی نگارندگان از مطالعات پیشین استخراج گردیده است (برای نمونه می‌توان به فلاح، ۱۳۸۵؛ مصطفوی، ۱۳۹۷؛ رستمی، ۱۴۰۰ اشاره نمود).



شکل (۱): چارچوب نظری حس مکان و مؤلفه‌های حس مکان (منبع: نگارندگان)

مؤلفه های حس مکان در مساجد		مؤلفه های حس مکان	
حس تعلق به تاریخ، فرهنگ و سنت های دینی که در معماری تزئینات و عملکرد مسجد	هویت فرهنگی و تاریخی	معماری بومی، تاریخ، فرهنگ	هویت
قرار گیری در مرکز جامعه یا مکان های ویژه	موقعیت مکانی و ارتباط با محیط پیرامون	فضا یا محیط اطراف، طبیعت، اقلیم، بافت و سبک زندگی مردم	ارتباط با زمینه
تجمع اجتماعی، نماز، جماعت، مراسم دینی، گفتگو	فضای اجتماعی و تعاملات جمعی	تعامل، مشارکت، حضور انسان	فعالیت و تعامل اجتماعی
حضور معنوی، آرامش روحی، احساس اتصال به خدا و قداسیت	معنویت و تقدس	مال خود دانستن فضا	احساس تعلق
گنبد، مناره، محراب، خطوط هندسی، کاشی کاری	معماری و زیبایی شناسی	تجربه و درک انسان از فضا، حواس پنجگانه	ادراک فضایی
فضای آرام، منظم، به دور از آشفتگی	نظم و سکونت	تاریخ، خاطرات مشترک مردم	حافظه جمعی
نور طبیعی، نورپردازی ملایم و رنگ خاص و آرامش بخش	نورپردازی و رنگ ها	نماد، نشانه، ارجاعات فرهنگی	معنا
		قابل استفاده و درک و دارای نظم فضایی	دسترسی و خوانایی
		مکان هایی که به مرور زمان حفظ شدند، جلوگیری از فرسودگی هویتی	تداوم و پایداری

شکل (۲): مؤلفه های حس مکان و حس مکان در مساجد (منبع: نگارندگان)

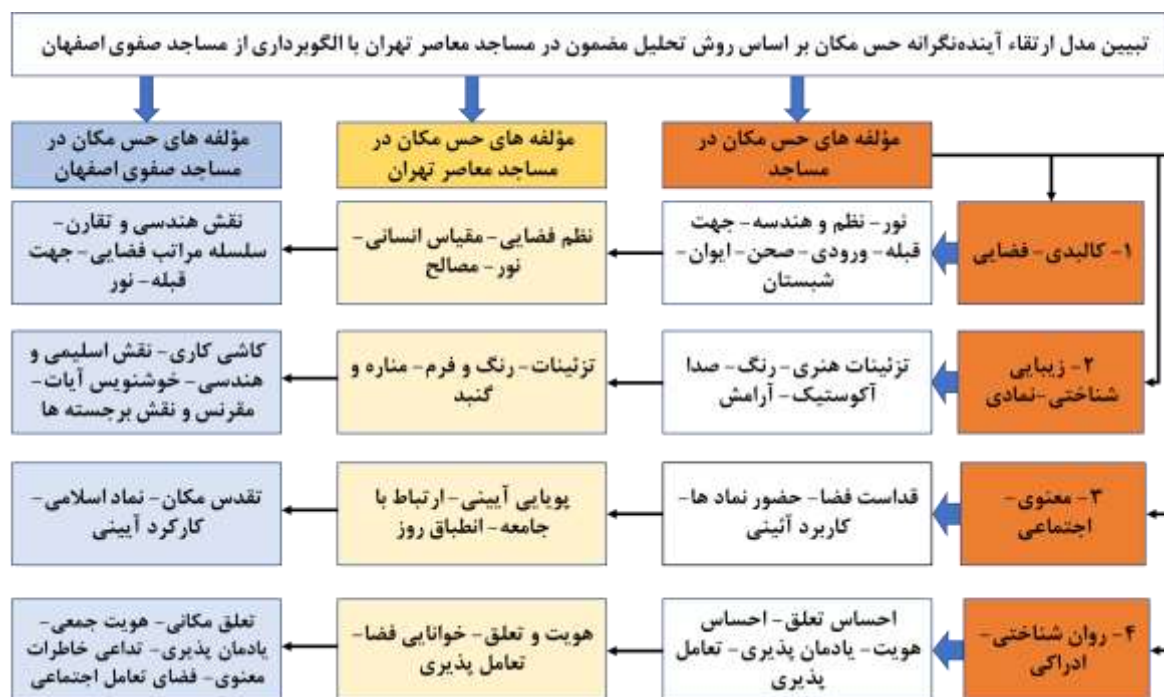
حس مکان مساجد: در مورد حس مکان در مسجد می توان گفت که مسجد به عنوان یک فضای مقدس و معنوی، علاوه بر کارکردهای عبادی، نقش بسیار مهمی در ایجاد حس تعلق، آرامش و هویت فرهنگی و اجتماعی دارد. حس مکان در مسجد ترکیبی از عوامل معنوی، معماری، تاریخ و تعاملات اجتماعی است که باعث می شود فرد هنگام حضور در مسجد احساس خاصی از ارتباط با فضا و معنای آن داشته باشد (مصطفوی، ۱۳۹۷).

مؤلفه های حس مکان در مساجد: بر مبنای شکل ۲، مؤلفه های حس مکان در مساجد، یعنی عوامل و عناصر تشکیل دهنده آن احساس ویژه ای که فرد نسبت به فضای مسجد پیدا می کند، معمولاً شامل موارد زیر است (خانزاده، ۲۰۲۴؛ رحمان و همکاران، ۲۰۲۴).

حس مکان در مساجد صفوی اصفهان: مساجد دوره صفوی با معماری باشکوه و مفهومی ویژه، حس مکان را به شکل عمیقی در ذهن و روح زائران و نمازگزاران ایجاد می کنند. این حس مکان از چند جنبه قابل بررسی است. معماری و طراحی فضایی، تزئینات و هنرهای اسلامی، کارکرد اجتماعی و مذهبی، معنویت و نمادگرایی. مؤلفه های حس مکان در مساجد صفوی اصفهان: به خصوص در مساجدی مانند مسجد امام اصفهان، مسجد شیخ لطف الله و جامع عباسی ترکیبی از عناصر معماری، معنوی، تاریخی و فرهنگی است که به شکل ویژه ای تجربه حضور در این فضاها را منحصر به فرد می کند که شامل این موارد می باشد: معماری با شکوه و متاثرکننده، تزئینات و کاشی کاری و خطوط کوفی، فضای معنوی و سکوت عبادت، ارتباط تاریخی و فرهنگی، فضای اجتماعی و تجمعات مذهبی، موقعیت جغرافیایی و همنشینی با میدان نقش جهان (قاسمی و همکاران، ۱۳۹۸).

حس مکان در مساجد معاصر تهران: حس مکان در مساجد معاصر تهران به معنای تجربه و درک ذهنی و عاطفی افراد از فضاهای مسجدی است که نه تنها بر اساس فرم های معماری سنتی بلکه با توجه به نیازهای اجتماعی، فرهنگی و معنوی امروز شکل گرفته اند. این حس مکان ترکیبی است از عناصر فضایی، معنوی، عملکردی و فرهنگی که در بستر زندگی شهری مدرن، ارتباط مردم با مسجد را حفظ یا تقویت می کند. مؤلفه های حس مکان در مساجد معاصر تهران با توجه به تحولات معماری، فرهنگی و اجتماعی، تلفیقی از عناصر سنتی و مدرن است که تجربه فضایی متفاوتی را ایجاد می کند که شامل این موارد می باشد: ارتباط با معماری

ایرانی- اسلامی، فضای معنوی و عبادی، کارکرد اجتماعی و فرهنگی، استفاده از فناوری و مصالح نوین، موقعیت و دسترسی شهری، تعامل با محیط پیرامون که در شکل ۳، قابل مشاهده است (سروش، ۱۴۰۴؛ ورمقانی، ۱۴۰۴؛ عظیمی سخنیان، ۲۰۲۴؛ پرتو و همکاران، ۱۴۰۱؛ شاهرودی کلور و همکاران، ۱۳۹۹).



شکل (۳): چارچوب نظری حس مکان و مؤلفه های حس مکان مسجد (منبع: نگارندگان)

حس مکان در معماری مساجد، به عنوان پدیده ای پویا و چندبعدی، از تلفیق چهار بُعد کلیدی—کالبدی-فضایی (نظم هندسی، سلسله مراتب، نور)، زیبایی شناختی-نمادین (نقوش، کاشی کاری، نمادهای اسلامی)، معنوی-اجتماعی (تقدس، تعاملات جمعی، هویت) و روان شناختی-ادراکی (احساس تعلق، خوانایی، آرامش)—شکل می گیرد. بررسی تطبیقی مساجد صفوی اصفهان و معاصر تهران نشان می دهد که بیان ظاهری و اولویت های طراحی متحول شده (مانند گذار از تزئینات پیچیده به سادگی فرم ها و کاربست مصالح مدرن)، اما هسته مرکزی حس مکان، مبتنی بر تداوم اصولی چون تقدس، نظم فضایی، جهت گیری قبله و نقش اجتماعی فضا، پایدار مانده است. این تداوم، نه در تقلید شکلی، بلکه در بازآفرینی هوشمندانه مفاهیم اصیل در قالب بیانی متناسب با زمینه زمانی-مکانی جدید تجلی یافته و منجر به خلق فضاهایی می شود که هم پاسخگوی نیازهای متغیر جامعه هستند و هم حافظ تداوم حافظه جمعی و هویت فرهنگی-معناری می باشند.

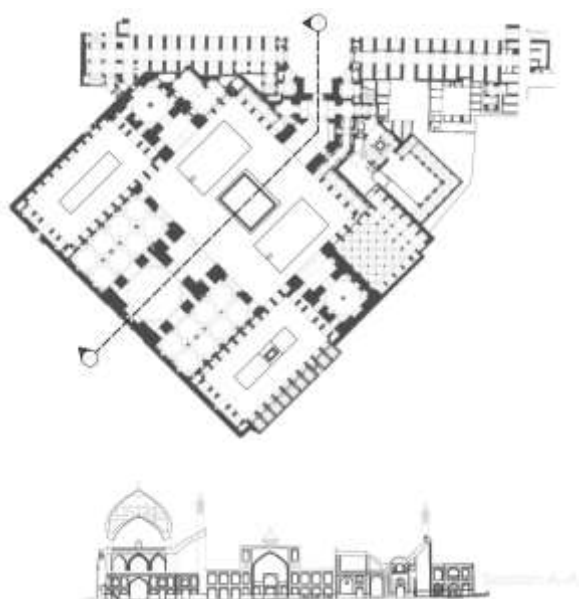
روش تحقیق:

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر نوع، آمیخته (کیفی-کمی) است. در بخش کیفی، جامعه آماری شامل معماران، اساتید رشته معماری و شهرسازی و متخصصان حوزه معماری اسلامی بود. نمونه ها به شیوه هدفمند و با بهره گیری از تکنیک گلوله برفی انتخاب شدند و فرایند نمونه گیری تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت؛ در نهایت ۱۰ نفر وارد مطالعه شدند. بررسی ویژگی های جمعیت شناختی و حرفه ای این افراد نشان داد که بیشتر آن ها دارای مدرک دکتری و سابقه ای بیش از ۲۰ سال فعالیت حرفه ای داشتند. تنوع تخصصی در میان مشارکت کنندگان (معماری، طراحی شهری، شهرسازی، جامعه شناسی، تاریخ هنر و هنر اسلامی) و همچنین تفاوت در نوع وابستگی سازمانی آنان (دانشگاهی، پژوهشی، مشاوره ای و انجمن های صنفی/علمی) زمینه لازم

را برای دستیابی به دیدگاه‌های چندبعدی و تحلیلی درباره مؤلفه‌های مؤثر در طراحی مسجد معاصر ایران فراهم ساخت. در نهایت، داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته گردآوری و با روش تحلیل مضمون تحلیل شدند. فرایند تحلیل مضمون مطابق با رویکرد براون و کلارک (۲۰۰۶) در شش مرحله شامل آشنایی با داده‌ها، کدگذاری، شناسایی مضامین، بازبینی، تعریف مضامین و گزارش انجام گرفت. در این مسیر، داده‌ها به صورت نظام‌مند در سه سطح کدگذاری باز، محوری و انتخابی سازمان‌دهی شدند. هدف از این بخش، استخراج مؤلفه‌های کالبدی و معنایی مؤثر بر طراحی مسجد معاصر ایران با رویکردی آینده‌نگر بوده است. در بخش کمی، جامعه آماری کلیه معماران، اساتید و دانشجویان معماری بودند. با توجه به ساختار مدل پژوهش (۳۱ گد محوری و ۴ گد انتخابی)، حجم نمونه بر اساس قواعد تحلیل عاملی تأییدی تعیین شد. بر مبنای قاعده حداقل ۱۰ مشاهده به ازای هر شاخص، حداقل ۳۲۰ نفر کفایت می‌کرد، اما به منظور افزایش دقت و پوشش ریزش احتمالی، ۴۰۰ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند. این انتخاب با توصیه‌های هیر و همکاران (۲۰۱۹) و معیارهای کفایت نمونه در تحلیل عاملی که توسط کامری و لی (۱۹۹۲) بیان شده، همخوانی دارد. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه‌ای بود که بر اساس یافته‌های بخش کیفی تدوین گردید و روایی محتوایی آن با نظر خبرگان تأیید شد. فرایند گردآوری داده‌ها به صورت آنلاین انجام شد؛ پرسشنامه در قالب فرم اینترنتی طراحی و لینک آن از طریق شبکه‌های اجتماعی و بسترهای ارتباطی در اختیار معماران، اساتید و دانشجویان معماری قرار گرفت. پیش از پاسخ‌دهی، اهداف پژوهش و محرمانه بودن اطلاعات برای شرکت‌کنندگان تشریح شد و مشارکت آنان به طور کامل داوطلبانه بود. در نهایت ۴۰۰ پرسشنامه کامل گردآوری و برای تحلیل وارد نرم‌افزار شده است.

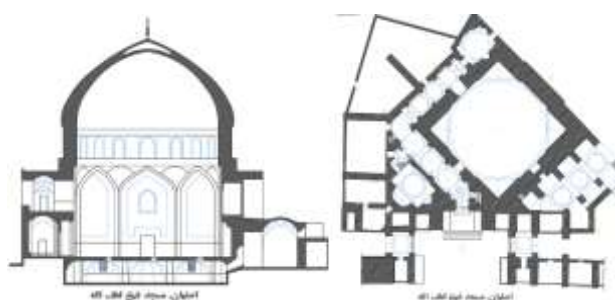
قلمرو مکانی و معرفی مطالعات موردی:

استان تهران به مرکزیت شهر تهران، با وسعتی حدود ۱۲۹۸۱ کیلومتر مربع، بین ۳۴ تا ۳۶٫۵ درجه عرض شمالی و ۵۰ تا ۵۳ درجه طول شرقی واقع شده است. شهر تهران در ۵۱ درجه و ۶ دقیقه تا ۵۱ درجه و ۳۸ دقیقه طول شرقی و ۳۵ درجه و ۳۴ دقیقه تا ۳۵ درجه و ۵۱ دقیقه عرض شمالی قرار گرفته است و ارتفاع آن از سطح آب‌های آزاد بین ۱۸۰۰ متر در شمال تا ۱۲۰۰ متر در مرکز و ۱۰۵۰ متر در جنوب متغیر است. استان اصفهان بین ۳۰ درجه و ۴۲ دقیقه تا ۳۴ درجه و ۲۷ دقیقه عرض شمالی و ۴۹ درجه و ۳۸ دقیقه تا ۵۵ درجه و ۳۲ دقیقه طول شرقی در بخش مرکزی ایران که بعد از تهران و مشهد سومین شهر پرجمعیت ایران است؛ در جلگه‌ای حاصلخیز واقع شده است. به دلیل وجود شاخص‌ترین مساجد جهان اسلام در شهر اصفهان (حدود ۱۹۱ مسجد از ۲۹۶ مسجد تاریخی) می‌توان این شهر را شهر مساجد نامید. علت انتخاب عهد صفویه به عنوان بستر زمانی در پژوهش حاضر، تمایز آنها نسبت به سایر ادوار تاریخی است، اصفهان دوره صفوی میعادگاه تمامی صاحبان خرد و اندیشه بوده است. در مساجد صفوی اصفهان اصول معماری ایرانی و فرهنگ ایرانی اجرا شده است و فضا را تبدیل به مکان با دل‌بستگی و تعلق به مکان کرده است. هدف از نمونه‌های معرفی شده در مساجد معاصر و امروزی تغییر در کالبد و کارکرد این مساجد می‌باشد که این دو تغییر تغییر بسازی در حس مکان مساجد ایجاد میکند. ترکیب عناصر انسان ساخت و عناصر طبیعت موجب ایجاد حس مکان می‌گردد. حس و ادراک و به کارگیری تمام حواس ایرانی از جمله ویژگی معماری ایرانی است. مسجد امام اصفهان و مسجد شیخ لطف‌الله (در شکل ۴ و ۵ پلان این مساجد نشان داده شده است)، هر دو در میدان نقش جهان اصفهان واقع شده‌اند و از شاهکارهای دوره صفوی (قرن ۱۱ هجری قمری) به شمار می‌روند. مسجد امام با چهار ایوان، دو گنبد عظیم و تزئینات غنی کاشیکاری، نمونه اعلای معماری اسلامی ایران محسوب می‌شود. ورودی مسجد با زاویه نسبت به میدان نقش جهان ساخته شده تا جهت قبله حفظ شود. تزئینات آن شامل کاشی کاری (کاشی‌های هفت رنگ با طرح‌های گیاهی، هندسی، کاشی لاجوردی، فیروزه‌ای و زرد)، مقرنس، گچ بری، کتیبه نگاری، خوشنویسی آیات قرآن (خطوط به کار رفته، ثلث، نستعلیق و کوفی) و گنبد اصلی دوپوش و با مقرنس کاری‌های پیچیده، ارتفاع گنبد حدود ۵۲ متر می‌باشد.



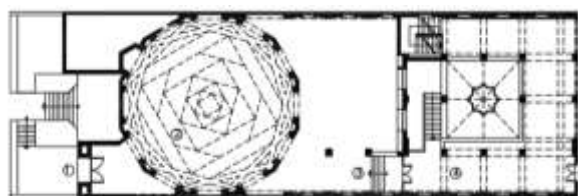
شکل (۴): پلان مسجد امام در اصفهان

مسجد شیخ لطف‌الله با ویژگی‌های منحصر به فردی همچون عدم وجود حیاط مرکزی و مناره، گنبد کم‌خیز و تزئینات استثنائی در فضای داخلی، به عنوان مسجد درباری شاه عباس صفوی کاربرد داشته است.



شکل (۵): پلان مسجد شیخ لطف‌الله در اصفهان

در دوره معاصر، مسجد غدیر در منطقه اوین تهران و مسجد قدس در شهرک غرب تهران (در شکل ۶ و ۷ پلان این مساجد نشان داده شده است)، از مساجد شاخص پس از انقلاب اسلامی (قرن ۱۴ هجری قمری) به شمار می‌روند.



شکل (۶): پلان مسجد غدیر در تهران

این دو مسجد با تلفیق عناصر سنتی (مانند گنبد و مناره) و رویکردهای نوین معماری، به عنوان کانون‌های فرهنگی-مذهبی در مناطق مسکونی طراحی و اجرا شده‌اند و کارکردهای اجتماعی گسترده‌ای دارند.



شکل (۷): پلان مسجد مسجد قدس در تهران

روش تحلیل داده‌ها:

تحلیل داده‌ها در این پژوهش در دو بخش کیفی و کمی انجام شد. در بخش کیفی، داده‌های مصاحبه‌ای که پیش‌تر تشریح شد، بر اساس روش تحلیل مضمون بررسی و در قالب مقوله‌ها و ابعاد اصلی سازمان‌دهی می‌شوند. برای اطمینان از روایی و پایایی تحلیل کیفی، از روش‌هایی مانند بازبینی مشارکت‌کنندگان و توافق بین کدگذاران (ضریب کاپا) استفاده شدند. در بخش کمی، داده‌های پرسشنامه‌ای با استفاده از نرم‌افزار Smart PLS و از طریق تحلیل عاملی تأییدی تحلیل شدند. در این راستا، پایایی سازه‌ها (آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی)، روایی همگرا (AVE)، روایی واگرا و شاخص‌های برازش مدل از جمله χ^2/df ، CFI، TLI، RMSEA و SRMR مورد ارزیابی قرار گرفتند.

نتایج یافته‌ها:

داده‌های گردآوری‌شده در بخش کیفی با بهره‌گیری از روش تحلیل مضمون و طی سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی مورد بررسی قرار گرفتند (جدول شماره ۱). در گام نخست، ۱۰۹ کد اولیه از متن مصاحبه‌ها استخراج شد که بیانگر مفاهیم کلیدی مرتبط با تجربه و ادراک مشارکت‌کنندگان درباره طراحی مسجد معاصر ایران بود. در مرحله دوم، کدهای اولیه در قالب مضامین میانی (کدهای محوری) دسته‌بندی شدند و در نهایت، این مضامین در چهار بعد اصلی تجمیع گردیدند. این چهار بعد، چارچوب نهایی برای تحلیل و تبیین مؤلفه‌های مؤثر در طراحی مسجد معاصر ایران را تشکیل می‌دهند. در مرحله دوم تحلیل کیفی، کدهای اولیه در قالب مقولات محوری سازمان‌دهی شدند. در این مرحله، ۱۰۹ کد اولیه استخراج‌شده از داده‌های مصاحبه به ۳۱ کد محوری طبقه‌بندی گردیدند. این مقولات محوری به مثابه مضامین میانی، بیانگر الگوها و مفاهیم مشترک در میان مشارکت‌کنندگان بوده و ساختار معنایی منسجم‌تری از داده‌ها را ارائه می‌دهند. فرایند کدگذاری محوری علاوه بر افزایش انسجام تحلیلی، امکان عبور از سطح توصیف به سطح تفسیر را فراهم ساخت و زمینه‌ساز شناسایی ابعاد نهایی مدل مفهومی شد. تنوع و پوشش محتوایی این مقولات نشان‌دهنده جامعیت داده‌ها و دستیابی به اشباع نظری در تحلیل بود. در نهایت، در مرحله نهایی تحلیل کیفی (کدگذاری انتخابی)، مقولات استخراج‌شده در قالب مدلی نظام‌مند و یکپارچه پیرامون پدیده مرکزی سازمان‌دهی شدند. ساختار نهایی داده‌ها در چهار بعد اصلی شامل کالبدی-فضایی، زیبایی‌شناختی-نمادی، اجتماعی-معنوی و روان‌شناختی-ادراکی تجمیع گردید. هر بعد از چندین کد محوری تشکیل شد که خود حاصل ادغام کدهای اولیه مرتبط بودند. به عنوان نمونه، در بُعد کالبدی-فضایی مقولاتی چون سلسله‌مراتب فضایی، سازگاری اقلیمی و محور قبله شناسایی شدند. این سازمان‌دهی نشان داد که کدهای نهایی بازتاب انسجام مفهومی داده‌ها و غنای اطلاعاتی مصاحبه‌ها بوده و زمینه‌ساز تدوین مدل مفهومی پژوهش و طراحی ابزار کمی (پرسشنامه) شد. به این ترتیب، تحلیل مضمون توانست داده‌های پراکنده و توصیفی مصاحبه‌ها را به مجموعه‌ای منسجم و

کاربردی از مفاهیم کلیدی در حوزه طراحی مسجد معاصر ایران تبدیل کند. در فاز کمی، ۴۰۰ پرسشنامه از معماران، اساتید و دانشجویان معماری جمع‌آوری گردیده است.

برای اطمینان از روایی داده‌های کیفی، از چارچوب گوبا و لینکلن (۱۹۸۵) شامل چهار معیار مقبولیت، انتقال‌پذیری، وابستگی و تأییدپذیری استفاده شد. مقبولیت با بازبینی مشارکت‌کنندگان و مثلث‌سازی داده‌ها، انتقال‌پذیری با انتخاب هدفمند نمونه‌های متنوع و توصیف زمینه‌ای غنی، وابستگی با مستندسازی شفاف مراحل کدگذاری، و تأییدپذیری با بازبینی متخصصان و حفظ بی‌طرفی پژوهشگر تضمین گردید. همچنین برای سنجش پایایی، حدود ۲۰ درصد داده‌ها توسط تحلیل‌گر دوم کدگذاری شد که ضریب کاپا برابر با ۰.۸۲ به دست آمد؛ این میزان در سطح «بسیار خوب» ارزیابی می‌شود و بیانگر هم‌پوشانی و ثبات مناسب در تحلیل داده‌هاست.

جدول (۱): کدگذاری، (منبع: نگارندگان)

کد اولیه	کد محوری	بعد
ارتباط با بافت شهری	دسترسی و پیوستگی شهری	کالبدی-فضایی
دسترسی آسان		
دعوت کنندگی		
پیوستگی بصری با محله		
ترتیب فضایی	ریتم حرکتی	
تغییرات هدفمند ارتفاع و نور		
حرکت تدریجی		
امکان استفاده چندمنظوره از شبستان (نماز، سخنرانی، کلاس)	سازمان فضایی منعطف	
طراحی فضاهاى جانبی برای فعالیت‌های فرهنگی و آموزشی		
قابلیت جداسازی یا ترکیب فضاها با پارتیشن یا پرده		
تهویه طبیعی	سازگاری اقلیمی	
فرم پاسخگو به اقلیم		
مصالح بومی		
نورگیری مناسب		
آستانه قدسی (پیش فضا)	سلسله مراتب فضایی	
مراتب از صحن تا محراب		
ورود تدریجی		
وضوح مرز قدسی		
تقارن معماری	فرم و ساختار فضایی	
خوانایی فضایی		
فرم چهارایوانی		
نظم هندسی		
گنبد مرکزی		
تقارن با محراب	محور قبله و سازمان دهی	
جهت دهی ذهنی		
سازمان دهی بر اساس قبله		

	مقیاس انسانی	تطابق با رفتار عبادی
		تناسب فضا
		راحتی بصری
		قابلیت مکث
	مقیاس در فضای باز	تناسب ابعاد حیاط و رواق با مقیاس انسانی
		سطوح نشیمن در سایه بان ها و دیوارهای کوتاه
		مسیرهای آرام با کف سازی مناسب
زیبایی شناختی-نمادی	تزئینات معنادار	آیات قرآنی
		خوشنویسی
		نقوش اسلیمی
		هندسه اسلامی
	رنگ های عرفانی	رنگ های آرامش بخش و معنوی
		سفید
		فیروزه ای
		لاجوردی
	سادگی به مثابه قداست	استفاده از تناسبات ساده و آرام
		استفاده از فرم های ساده اما معنایی (طاق، ایوان کم تزئین)
		پرهیز از شلوغی بصری در تزئینات
	نشانه گذاری بصری	استفاده از مصالح متمایز در نمای اصلی مسجد
		خوانایی و نمایان بودن ورودی مسجد در سیمای شهری
		طراحی مناره یا گنبد به عنوان نشانه شهری
	نقش خط در فضا	تزئین معناگرا
		خط به عنوان نماد الهی
		هدایت نگاه
	نمادهای معماری	محراب
		مناره
		کتیبه های تاریخی
		گنبد
	نورپردازی معنوی	بازی نور و سایه
		نور غیر مستقیم
		ورود نور از گنبد
		کنترل شدت نور
	هندسه قدسی	مربع و دایره
		نسبت طلایی
		نظم ریاضی مقدس
	هویت ایرانی-اسلامی	الگوهای سنتی
		فرم بومی در ترکیب با نشانه های دینی
		هویت گرایی بصری

اجتماعی-معنوی	تعاملات اجتماعی	امکان گفت‌وگو
		فضاهای جمعی
		پذیرش اجتماعی
	حس تعلق و مشارکت	آشنایی ذهنی
		احساس مالکیت
		خاطره جمعی
		محل تجمع
		مشارکت در طراحی
	فضای عبادی و معنوی	تجربه قدسی
		تمرکز در نماز
		گسست از زندگی روزمره
	مسجد به عنوان هویت محله	شناخته شدن مسجد با نام محله یا خانواده محلی
		نصب تابلوها یا تصاویر مرتبط با محله در فضای ورودی
		گره‌خوردگی رویدادهای اجتماعی و مذهبی با فضای مسجد
	پیوستگی با زندگی روزمره	در فرعی برای دسترسی سریع از محله
		مسیر کوتاه و سهل الوصول برای پیاده‌روی
		نزدیکی فیزیکی مسجد به خانه‌های محله
	کارکرد اجتماعی مسجد	فعالیت‌های فرهنگی
		مسجد به عنوان قلب محله
		کلاس‌های آموزشی
روان‌شناختی-ادراکی	آگاهی تاریخی-فرهنگی	تداعی گذشته
		تداعی گذشته مقدس
		حضور خاطره در مکان
		زمان‌زدایی از فضا
		نشانه‌های سنتی
	احساس قدسی بودن فضا	احساس تقدس
		برانگیختگی روحی
		تزئینات
		سکوت
	ادراک حسی فضا	بافت
		بو
		صدا
		نور
	انتقال غیر کلامی معنا	استفاده از رنگ‌های آرام و نور لطیف در مسیر ورود
		فرم قوس یا گنبد برای تمرکز ذهنی و روحی
		نور طبیعی هدایت‌شده به سوی محراب

	رهایی از زمان روزمره	استفاده از فرم و مصالح سنتی ماندگار
		طراحی سکوت و آرامش فضا برای گسست از زمان روزمره
		پرهیز از نشانه‌های مدرن و زمان‌مند در فضا
	درک معنایی فضا	آرامش ذهنی
		انتقال معنا از طریق فرم و سازماندهی
		دریافت غیرکلامی قداست
	سکون و آرامش روانی	آکوستیک مناسب
		دوری از هیاهو
		فضای خلوت

بارهای عاملی:

نتایج تحلیل عاملی تاییدی در نرم افزار Smart-PLS در جدول ۲ نشان داد که مقادیر بارهای عاملی همه آیت‌ها از مقدار ۰/۶۰ بود که نشان‌دهنده این هست که همه بارهای از قدرت تبیین خوبی برخوردار هستند.

جدول (۲): بارهای عاملی آیت‌ها (منبع: نگارندگان)

مقادیر T	عامل چهارم (روان شناختی-ادراکی)	عامل سوم (اجتماعی- معنوی)	عامل دوم (زیبایی شناختی-نمادی)	عامل اول (کالبدی-فضایی)	آیت
۶۸/۳	-	-	-	۰/۸۹۰	دسترسی و پیوستگی شهری
۲۳/۰۶	-	-	-	۰/۶۲۰	ریتم حرکتی
۴۹/۱	-	-	-	۰/۸۵۵	سازمان فضایی منعطف
۱۷/۹	-	-	-	۰/۶۱۸	سازگاری اقلیمی
۶۱/۱	-	-	-	۰/۸۸۹	سلسله‌مراتب فضایی
۵۹/۳	-	-	-	۰/۸۸۲	فرم و ساختار فضایی
۶۰/۴	-	-	-	۰/۸۷۶	محور قبله و سازمان‌دهی
۲۳/۱	-	-	-	۰/۶۳۶	مقیاس انسانی
۴۵/۶	-	-	-	۰/۸۲۸	مقیاس در فضای باز
۴۸/۲	-	-	۰/۸۹۳	-	تزئینات معنادار
۱۷/۱	-	-	۰/۶۲۳	-	رنگ‌های عرفانی
۲۷/۷	-	-	۰/۷۳۵	-	سادگی به مثابه قداست
۲۱/۷	-	-	۰/۷۱۲	-	نشانه‌گذاری بصری
۳۵/۲	-	-	۰/۸۵۰	-	نقش خط در فضا
۱۶/۱	-	-	۰/۶۰۵	-	نمادهای معماری
۳۴/۵	-	-	۰/۸۵۲	-	نورپردازی معنوی
۳۴/۷	-	-	۰/۸۴۱	-	هندسه قدسی
۱۶/۴	-	-	۰/۶۲۰	-	هویت ایرانی-اسلامی
۷۸/۲	-	۰/۹۳۰	-	-	تعاملات اجتماعی

۷۳/۱	-	۰/۹۰۳	-	-	حس تعلق و مشارکت
۶۳/۱	-	۰/۸۹۱	-	-	فضای عبادی و معنوی
۲۸/۴	-	۰/۷۴۰	-	-	مسجد به عنوان هویت محله
۲۵/۶	-	۰/۷۲۴	-	-	پیوستگی با زندگی روزمره
۲۳/۳	-	۰/۶۱۹	-	-	کارکرد اجتماعی مسجد
۱۷/۸	۰/۶۴۳	-	-	-	آگاهی تاریخی-فرهنگی
۲۵/۹	۰/۷۳۹	-	-	-	احساس قدسی بودن فضا
۲۴/۰۴	۰/۷۹۸	-	-	-	ادراک حسی فضا
۲۴/۲	۰/۷۵۲	-	-	-	انتقال غیر کلامی معنا
۲۷/۰۵	۰/۷۴۸	-	-	-	بی‌زمانی فضا
۲۳/۷	۰/۷۵۰	-	-	-	درک معنایی فضا
۲۰/۷	۰/۷۷۴	-	-	-	سکون و آرامش روانی

پایایی:

مقادیر آلفای کرونباخ برای آیت‌های اجتماعی-معنوی برابر با ۰/۹۲، روان‌شناختی-ادراکی برابر با ۰/۸۹، کالبدی-فضایی برابر با ۰/۹۳ و زیبایی‌شناختی-نمادی برابر با ۰/۹۲ بود. همچنین، مقادیر پایایی مرکب برای آیت‌های اجتماعی-معنوی برابر با ۰/۹۱، روان‌شناختی-ادراکی برابر با ۰/۸۹، کالبدی-فضایی برابر با ۰/۹۲ و زیبایی‌شناختی-نمادی برابر با ۰/۹۱ بود. بنابراین، همسانی درونی (پایایی) آیت‌های هر سازه مطلوب است. تمام مقادیر بیشتر از ۰/۷۰ است.

روایی همگرا:

معیار متوسط واریانس استخراج شده (AVE) به عنوان شاخص روایی درونی مدل اندازه‌گیری نشان داد که روایی درونی (همگرا) برای آیت‌های اجتماعی-معنوی برابر با ۰/۶۵، روان‌شناختی-ادراکی برابر با ۰/۵۵، کالبدی-فضایی برابر با ۰/۶۳ و زیبایی‌شناختی-نمادی برابر با ۰/۵۷ بود. بنابراین، مدل اندازه‌گیری از روایی همگرا مناسب برخوردار هستند.

روایی واگرا:

معیار فورنل-لارکر در جدول ۳ نشان داد که جذر میانگین واریانس استخراج شده هر متغیر پنهان بیشتر از حداکثر همبستگی آن متغیر پنهان با سایر متغیرهای پنهان است. بنابراین، روایی واگرا نیز برای مؤلفه‌های اجتماعی-معنوی، روان‌شناختی-ادراکی، کالبدی-فضایی و زیبایی‌شناختی-نمادی برقرار است.

جدول (۳): روایی واگرا (آزمون فورنل لارکر)، (منبع: نگارندگان)

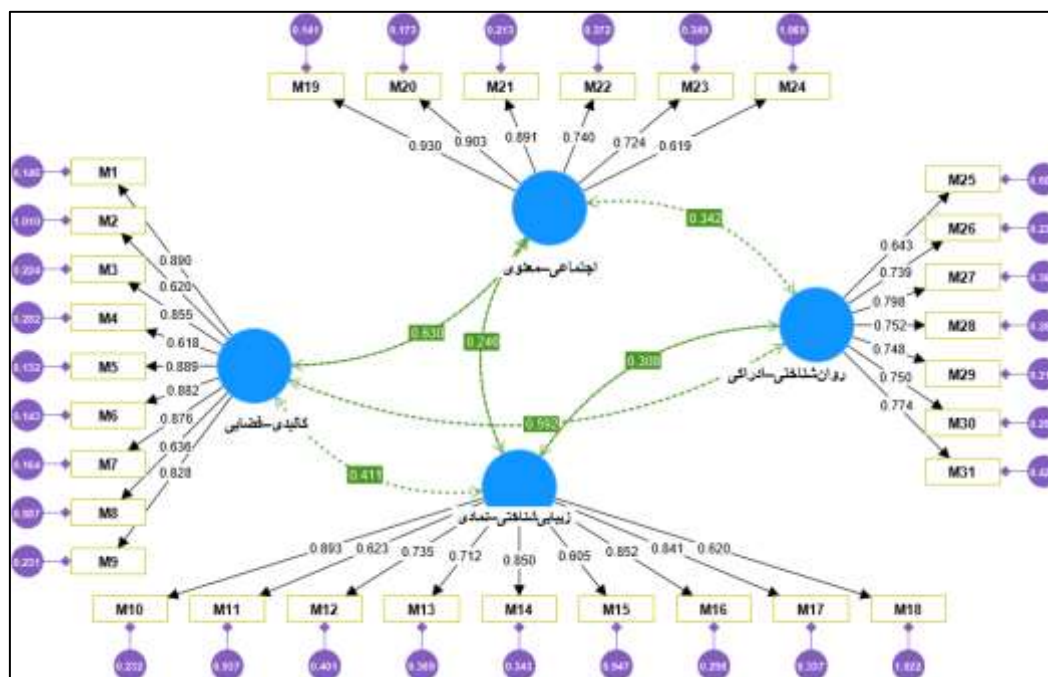
مؤلفه‌ها	اجتماعی-معنوی	روان‌شناختی-ادراکی	زیبایی‌شناختی-نمادی	کالبدی-فضایی
اجتماعی-معنوی	۰/۸۰۹	-	-	-
روان‌شناختی-ادراکی	۰/۳۴۲	۰/۷۴۵	-	-
زیبایی‌شناختی-نمادی	۰/۲۴۶	۰/۳۰۸	۰/۷۵۶	-
کالبدی-فضایی	۰/۶۳۰	۰/۵۹۲	۰/۴۱۱	۰/۷۹۷

برازش مدل:

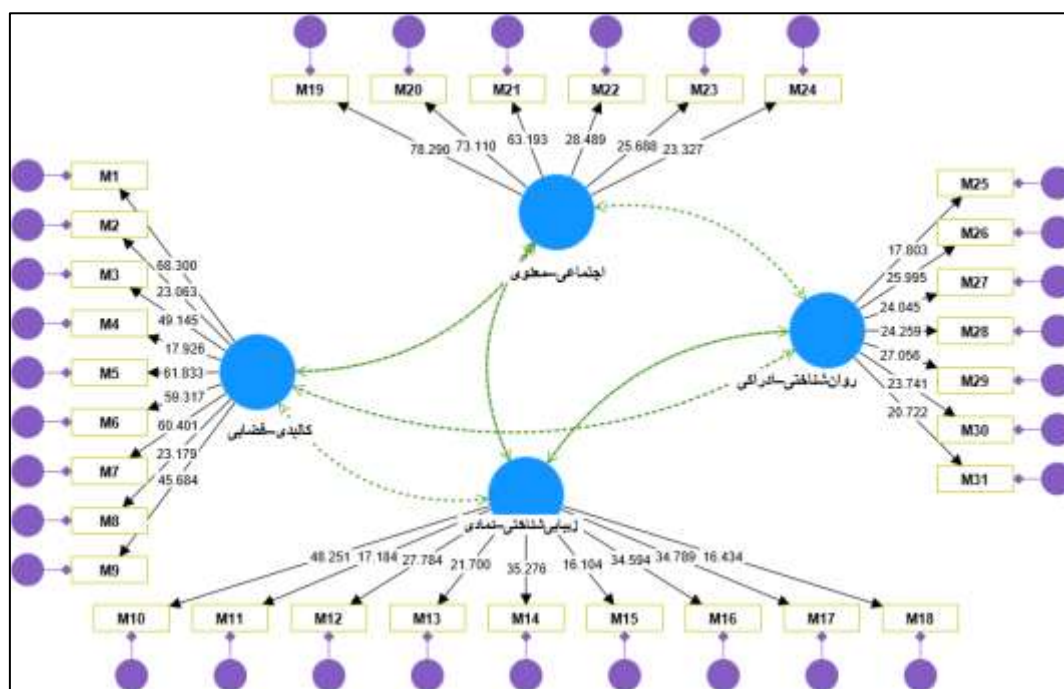
جدول ۴ شاخص‌های نیکویی برازش RMSEA، مجذور کای اسکوتر NFI، CFI، SRMR را نشان می‌دهد که همه شاخص‌ها قابل قبول هستند و تحلیل عاملی تاییدی از مدل پیشنهادی مؤلفه‌های کالبدی و معنایی مؤثر بر طراحی مسجد معاصر ایران با رویکرد مکان‌محور و هویت‌محور حمایت می‌کنند.

جدول (۴): شاخص‌های برازش نیکویی برازش، (منبع: نگارندگان)

شاخص‌ها	مقدار	مقدار قابل قبول	تفسیر
$\chi^2=804/6$ $df=428$ χ^2/df	۱/۸۷	مقادیر بین ۱ تا ۳	برازش عالی است
RMSEA	۰/۰۶۴	مقادیر کمتر از ۰/۰۸	برازش عالی است
NFI	۰/۸۸	مقادیر بین ۰/۹۰ تا ۰/۹۵	برازش نسبتاً قابل قبول است
CFI	۰/۹۲	مقادیر بین ۰/۹۰ تا ۰/۹۵	برازش عالی است
TLI	۰/۹۲	مقادیر بین ۰/۹۰ تا ۰/۹۵	برازش عالی است
SRMR	۰/۰۶۱	زیر ۰/۰۸	برازش عالی است



شکل (۸): مدل نهایی بر اساس تحلیل عاملی تاییدی (مقادیر b)، (منبع: نگارندگان)



شکل (۹): مدل نهایی بر اساس تحلیل عاملی تأییدی (مقادیر T)، (منبع: نگارندگان)

در مدل نهایی حاصل از تحلیل عاملی تأییدی در شکل ۸ (مقادیر b یا بارهای عاملی)، ارتباط میان متغیرهای پنهان و شاخص‌های مشاهده‌پذیر آنها به صورت دقیق و معنادار نشان داده شده است. بارهای عاملی ارائه شده برای اغلب شاخص‌ها در دامنه قابل قبول (بالا تر از ۰/۶) قرار دارند که بیانگر پایایی و روایی همگرایی مناسب مؤلفه‌ها است. مؤلفه‌های کالبدی-فضایی، اجتماعی-معنوی، زیباشناختی-هنری و روان‌شناختی-ادراکی به عنوان ابعاد اصلی تبیین کننده حس مکان، از طریق مسیرهای سبز رنگ به یکدیگر متصل شده‌اند. مقادیر مسیرهای میان سازه‌ها (مانند ۰/۶۳۰، ۰/۵۹۲، ۰/۳۴۲ و ...) نشان‌دهنده تأثیرات درونی و جهت‌دار میان مؤلفه‌ها است؛ به طوری که سازه زیباشناختی-هنری بیشترین اثرگذاری را بر روان‌شناختی-ادراکی داشته و سازه کالبدی-فضایی در تعامل با اجتماعی-معنوی و زیباشناختی-هنری نقش محوری در انتقال ارزش‌های فضایی و معنایی ایفا می‌کند. این الگو بر وجود یک ساختار چندبعدی و هم‌بسته تأکید دارد که هر بُعد از طریق شاخص‌های مرتبط، بخشی از مفهوم حس مکان را تبیین می‌کند.

در شکل ۹ (مقادیر T)، میزان معناداری مسیرهای ساختاری و بارهای عاملی ارائه شده است. تمام مقادیر T بزرگ‌تر از ۱/۹۶ هستند که نشان‌دهنده معناداری آماری تمامی روابط در سطح اطمینان ۹۵ درصد است. شاخص‌هایی که از مقادیر T بالاتر برخوردارند—مانند M3، M5 و M7 در سازه کالبدی-فضایی یا M22 و M23 در سازه اجتماعی-معنوی—نشان می‌دهند که بیشترین قدرت تبیین را در تعریف سازه مربوطه دارند. همچنین مسیرهای میان سازه‌ها نیز از معناداری کافی برخوردارند؛ به ویژه اثرات زیباشناختی-هنری بر روان‌شناختی-ادراکی و اثر کالبدی-فضایی بر اجتماعی-معنوی که مقادیر T آنها نشان‌دهنده سطح بالای قدرت پیش‌بینی و تأیید روابط نظری است. این یافته‌ها ضمن تأیید مدل پیشنهادی، نشان می‌دهند که در مساجد معاصر تهران با الگوبرداری از مساجد صفوی اصفهان، حس مکان محصول تعامل هم‌زمان ویژگی‌های فضایی، زیبایی‌شناختی، معنوی و روان‌شناختی است و مدل استخراج شده از پشتوانه آماری قوی برخوردار می‌باشد.

در این پژوهش در شکل ۱۰، چارچوب مفهومی استخراج شده از تحلیل مضمون، مدل ارتقاء آینده‌نگرانه حس مکان را در مساجد معاصر تهران، بر پایه الگوبرداری از مؤلفه‌های مساجد صفوی اصفهان، ترسیم می‌کند: ورودی‌ها، شامل بعد کالبدی-فضایی با سلسله‌مراتب فضایی و محوریت قبله برای جریان معنوی، و بعد زیبایی‌شناختی-نمادی با نمادگرایی فضایی و سلسله‌مراتب نوری برای تعمیق فضا است؛ از دل فرآیند تحلیل مضمون، به خروجی‌هایی چون بعد کالبدی-فضایی با سازمان‌دهی تدریجی و

انعطاف‌پذیری عملکردی، بعد زیبایی‌شناختی-نمادی با نمادها و هندسه معنادار، بعد اجتماعی-معنوی با تعاملات محلی و هویت جمعی، و بعد روان‌شناختی-ادراکی با درک حسی و القاء سکون عرفانی، می‌رسد. این مدل، حس مکان را به عنوان جریانی پویا بازتعریف می‌کند، جایی که الگوهای صفوی همچون حیاط‌های مرکزی برای جدایی معنونه تنها کاستی‌های معاصر را جبران، بلکه با ادغام فناوری‌های نوین، مساجد تهران را به فضاهایی مقاوم در برابر تحولات آینده بدل می‌سازد.



شکل (۱۰): چارچوب مفهومی تبیین مؤلفه‌های حس مکان مؤثر بر طراحی مسجد معاصر ایران، (منبع: نگارندگان)

این چارچوب، نگاهی عمیقاً آینده‌نگرانه را برمی‌انگیزد: فراتر از بازسازی گذشته، مسجد را به نمادی از پایداری الهی در عصر دیجیتال تبدیل می‌کند؛ جایی که سلسله‌مراتب نوری صفوی با شبیه‌سازی‌های هوشمند هم‌آوایی یابد تا در برابر بحران‌های اقلیمی و فرهنگی، حس مکان را به ابزاری برای تعالی نسل‌های پیش‌رو بدل سازد. از حفظ تقدس عبادی تا خلق تجربیات عرفانی پویا، که مسجد را از فضایی ایستا به قلبی تپنده در تمدن اسلامی رو به افق‌های نوین می‌رساند و از انفصال معنوی کنونی، به سوی احیایی ابدی گام برمی‌دارد.

نتیجه گیری:

این پژوهش، با تمرکز بر تبیین مدلی آینده‌نگرانه برای ارتقای حس مکان در مساجد معاصر تهران به عنوان کاربری‌های مقدس بر پایه الگوبرداری از الگوهای معماری مساجد صفوی اصفهان، به دنبال پاسخی نوین به چالش انفصال معنوی در فضاهای عبادی معاصر بوده است؛ هدفی که از طریق روش آمیخته تحلیل مضمون و ارزیابی کمی پیگیری شد تا چارچوبی عملی برای بازآفرینی تقدس مسجد، بدون تقلیل آن به عناصر شهری، ارائه دهد. این پژوهش، با نگاهی آینده‌نگرانه، مسجد را نه تنها به عنوان میراثی ایستا، بلکه به فضایی پویا و مقاوم در برابر تحولات جهانی می‌نگرد؛ جایی که الگوهای صفوی، همچون سلسله‌مراتب نوری و هندسه نمادین، با ابزارهای نوین مانند مدل‌سازی دیجیتال و مواد پایدار هم‌افزایی یابند تا حس مکان را در برابر چالش‌هایی چون تغییرات اقلیمی و افزایش جمعیت شهری، به سطحی متعالی و پایدار ارتقا بخشند؛ نگاهی که مسجد را به پلی میان گذشته الهی و آینده‌ای زیست‌محیطی-معنوی تبدیل می‌کند و جوهر مقدس آن را برای نسل‌های آتی حفظ می‌نماید.

یافته‌های پژوهش، چهار بعد بنیادین حس مکان بر پایه تحلیل مضمون استخراج و با تحلیل عاملی تأییدی اعتبارسنجی شده‌اند: بعد کالبدی-فضایی، که سازگاری اقلیمی با نور نمادین را اولویت می‌دهد؛ بعد زیبایی‌شناختی-نمادی، با تمرکز بر اشکال هندسی برای صیانت از حریم عرفانی؛ بعد اجتماعی-معنوی، که تعاملات جمعی را برای پیوند فرهنگی تقویت می‌کند؛ و بعد روان‌شناختی-ادراکی، متکی بر برانگیختگی حسی برای تعمیق حضور قلبی. این نتایج، نه تنها کاستی‌های مساجد تهران - نظیر فقدان عمق معنوی در نمونه‌هایی چون مسجد دانشگاه تهران - را شناسایی، بلکه مدلی یکپارچه پیشنهاد می‌کنند که با الگوبرداری از مساجد صفوی، حس مکان را بدون از دست دادن تقدس، به ابزاری نوآورانه برای تعالی عبادی بدل می‌سازد.

بر مبنای این یافته‌ها، پیامدهای مثبت پژوهش چندوجهی است: نخست، غنای معنوی مساجد تهران را افزایش می‌دهد و تجربیات نمازگزاران را از سطحی گذرا به تعالی قلبی می‌رساند؛ دوم، الگویی جهانی برای معماری مقدس پایدار در جوامع اسلامی فراهم می‌آورد و هویت فرهنگی را در برابر جهانی‌سازی پاس می‌دارد؛ و سوم، با ادغام فناوری، به پایداری زیست‌محیطی یاری می‌رساند و مسجد را به نمادی از هارمونی الهی-انسانی در قرن بیست‌ویکم تبدیل می‌کند، که می‌تواند الهام‌بخش سیاست‌گذاری‌های شهری و آموزشی در حوزه معماری اسلامی باشد.

با توجه به مدل مفهومی استخراج‌شده، راهکارهای عملیاتی زیر برای ارتقای حس مکان در مساجد معاصر تهران، نظیر مسجد دانشگاه تهران و جوادالائمه، پیشنهاد می‌شود. این راهکارها، بر پایه الگوبرداری از مساجد صفوی اصفهان، با تمرکز بر کاربری مقدس مسجد و ادغام فناوری‌های نوین، تدوین شده‌اند تا تقدس فضایی را بدون تقلیل به عناصر شهری، بازآفرینی کنند: بعد کالبدی-فضایی، این بُعد تأکید دارد که سازمان‌دهی فضا باید در راستای ادراک تدریجی، انعطاف‌پذیری عملکردی، و انطباق با رفتار عبادی شکل گیرد؛ بنابراین، در مسجد دانشگاه تهران، می‌توان با شبیه‌سازی دیجیتال سلسله‌مراتب نوری صفوی را با مواد شفاف پایدار پیاده‌سازی کرد تا جریان معنوی در برابر آلودگی شهری مقاوم شود و فضایی انطباق‌پذیر برای نمازهای جمعی فراهم آید.

در بعد زیبایی‌شناختی-نمادی، بر استفاده از نمادها، رنگ‌های قرآنی، هندسه و تزئینات معنادار در راستای القای حس قداست و هویت تأکید شده است؛ در مسجد جوادالائمه، الگوهای هندسی کاشی‌کاری اصفهان بر دیوارهای هوشمند حکاکی شود تا حریم عرفانی با هزینه کم احیا گردد و هویت الهی مسجد برجسته گردد.

در بعد اجتماعی-معنوی، مسجد به عنوان مرکز تعاملات محلی، هویت جمعی و فعالیت‌های فرهنگی عمل کند؛ در مسجد دانشگاه تهران، حیاط مرکزی با سیستم‌های صوتی هوشمند برای جلسات عرفانی تجهیز شود تا پیوند جامعه‌ای تعمیق یابد و مسجد به هسته‌ای فرهنگی بدل گردد.

در بعد روان‌شناختی-ادراکی، تمرکز بر درک حسی، سکوت، خاطره‌انگیزی و قدسیت از طریق فرم، نور، بافت و ریتم باشد؛ در مسجد جوادالائمه، واقعیت افزوده برای تجربیات حسی مجازی صفوی به کار گرفته شود تا حضور قلبی در عبادت‌های روزانه تقویت شده و فضایی آرام و خاطره‌ساز آفریده شود.

این راهکارها، با اجرای مرحله‌ای توسط معماران و سیاست‌گذاران، مدل را به ابزاری عملی برای طراحی مساجد تهران تبدیل می‌کنند و بر جنبه‌های فراهی معماری (پیوند با نیازهای روانی و اجتماعی) تأکید دارند؛ پیشنهاد می‌شود الگوهای صفوی را نه کپی مکانیکی، بلکه منبع الهام‌بخش برای حس مکان معاصر بدانیم تا تقدس مسجد در افق‌های آینده پاسداری شود.

منابع

۱. ابراهیمی نژاد، احد؛ شیخ‌الحکمایی، محمد (۱۴۰۰). اثر متوالی سلسله مراتب در آفرینش حس تعلق به مکان مساجد در تبریز. *پژوهش‌های معماری اسلامی*. ۹ (۴)، ۱-۱۵.
۲. احمدی، مهدیه و دیگران (۱۴۰۰). واکاوی تاریخی تحلیلی تأثیر مؤلفه‌های کالبدی، بر حس تعلق خاطر در مساجد دوره صفوی از دید نمازگزاران (مطالعه موردی مساجد امام خمینی (ره)، شیخ لطف‌الله، حکیم و آقانور شهر اصفهان). *پژوهش‌نامه تاریخ*. ۱۷ (۶۵)، ۱-۴۲.
۳. برزنجی، کامران؛ امامی مهر، عارف (۱۳۹۷، مهر). دریافت حس مکان با رویکرد پدیدارشناسانه در حوزه معماری. *اولین کنفرانس ملی معماری و شهرسازی ایرانی-اسلامی*. تهران، ایران.
۴. البرزی، فریبا و دیگران (۱۳۹۹). تحلیل جلوه‌های معناشناختی نور در معماری اصفهان دوره صفوی؛ نمونه موردی: مسجد شیخ لطف‌الله در شهر اصفهان. *پژوهش‌های معماری اسلامی*. ۸ (۲۹)، ۱۴۵-۱۲۱.
۵. بلالی اسکویی، آریتا؛ زارعی، سحر؛ حیدری ترکمانی، مینا (۱۳۹۹). الگوهای ترکیب اندام‌های بنیادین معماری مساجد شهر اصفهان در دوره صفوی. *معماری اقلیم گرم و خشک*. ۸ (۱۱)، ۱۵۰-۱۲۵.
۶. بنی‌اسدی باغمیرانی، مهدی؛ حسینی، سید بهشید؛ شاه‌چراغی، آزاده (۱۴۰۱). تبیین سیر ادراکی در مساجد صفوی، از ماده تا معنا مبتنی بر آرای ملاصدرا. *حکمت صدرایی*. ۱۱ (۲۱)، ۱۷۸-۱۶۳.
۷. بهزادپور، محمد؛ رضاخانی، ژیلای؛ آزاد، مهدی (۱۳۹۹، اسفند). تبیین چگونگی ایجاد حس مکان و روح مکان در مساجد تاریخی ایران. *کنفرانس پژوهش در مهندسی عمران و معماری ایران*. تهران، ایران.
۸. پرتو، شیده؛ نوروزبرازجانی، ویدا؛ میرشاهزاده، شروین (۱۴۰۱). بررسی مؤلفه‌های تأثیرگذار بر ادراک حس معنویت در فضای مساجد (مطالعه موردی: شش مسجد معاصر تهران). *مطالعات شهر ایرانی/اسلامی*. ۱۲ (۴۸)، ۴۰-۲۹.
۹. پرتوی، پروین (۱۳۸۷). *پدیدارشناسی مکان*. تهران: انتشارات فرهنگستان هنر.
۱۰. پور مهابادیان، الهام؛ یوسفی، پریسا (۱۴۰۰). بررسی تأثیر فرم بر القای حس معنویت در مساجد دوره قاجار و دوره معاصر. *معماری‌شناسی*. ۴ (۱۸)، ۱۲-۱.
۱۱. توکلیان، زهرا؛ بهمنی کازرونی، سارا (۱۳۹۴). بررسی چگونگی انتظام شبستان در مساجد تاریخی شیراز. *فصلنامه پژوهش‌های معماری اسلامی*. ۳ (۸)، ۸۹-۱۰۳.
۱۲. حسینی، اکرم (۱۴۰۳). بررسی تغییر تناسبات گنبدخانه مساجد صفوی در زمینه‌های ایجاد آن. *پژوهش‌های معماری اسلامی*. ۱ (۱۲)، ۴۰-۲۴.
۱۳. رستمی اصل، الهه و دیگران (۱۴۰۰، مرداد). تحلیل حس مکان در فضای گنبدخانه مساجد با رویکرد معماری معناگرا. *پنجمین کنفرانس بین‌المللی جهانی در مهندسی عمران و شهرسازی*. تهران، ایران.
۱۴. سروش، محمد مهدی (۱۴۰۴). مطالعه تطبیقی مکان‌گزینی (شأنیت) مسجد در شهر (نمونه موردی: مساجد معاصر شهر تهران). *مطالعات رفتار و محیط در معماری*. ۱ (۲)، ۶۵-۴۷.
۱۵. اساسی، وریا؛ اعتصام، ایرج؛ شاهچراغی، آزاده (۱۳۹۵). عوامل مؤثر بر شکل‌گیری حس مکان ماندگار در اذهان عمومی. *هویت شهر*. ۱۷ (۵۳)، ۶۳-۷۴.
۱۶. شاهرودی کلور، مرضیه؛ تقی‌پور، ملیحه؛ گریست، فائزه (۱۳۹۹). سنجش تطبیقی مؤلفه‌های حس مکان در عناصر کالبدی مساجد سنتی و معاصر شیراز (موردپژوهی مسجد حاج علی، مسجد مشیرالملک، مسجدالرجا و مسجد دانشگاه). *فصلنامه اندیشه معماری*. ۴ (۸)، ۵۸-۴۱.
۱۷. عریانی‌نژاد، رضا؛ دژدار، امید؛ سروش، محمد مهدی (۱۴۰۱). بررسی نقش نشانه‌های شیعی در مراتب حس مکان اماکن مقدس دوران صفوی. *مطالعات هنر اسلامی*. ۱۸ (۴۵)، ۴۸۸-۴۷۱.
۱۸. غلامی، بهادر (۱۳۹۸). تغییرات اقلیمی؛ ظهور و تشدید بحران‌های فراگیر امنیتی بین‌المللی. *فصلنامه روابط خارجی*. ۱۱ (۳)، ۲۰-۱.

۱۹. فرزانه، بابک؛ شهاب‌زاده، آسیه (۱۳۹۵، دی). پدیدارشناسی مسجد الغدير، تندیس آجر. چهارمین کنگره بین‌المللی معماری، عمران و شهرسازی. تهران. ایران.
۲۰. فلاحت، محمدصادق (۱۳۸۵). مفهوم حس مکان و عوامل شکل دهنده آن. هنرهای زیبا. ۱ (۲۶)، ۵۴-۶۶.
۲۱. قاسمی، زهرا؛ افشاری، مرتضی (۱۴۰۲). تحلیل معماری مسجد تئاتر شهر تهران بر مبنای شاخص‌های هنر اسلامی. جستارنامه فرهنگ و هنر اسلامی. ۲ (۶)، ۱-۱۸.
۲۲. قاسمی، سوگند؛ نامدار، هستی؛ غفاری فرد، نیلوفر (۱۳۹۸، دی). بررسی حس تعلق به مکان در بازار قیصریه اصفهان با رویکرد پدیدار شناسانه‌ی رلف. کنفرانس بین‌المللی توسعه پایدار و عمران شهری. اصفهان. ایران.
۲۳. قربانی‌نژاد، پریسا؛ جلیل‌زاده، فاطمه (۱۳۹۷، آبان). حس مکان در معماری مساجد مکتب اصفهان (با تاکید بر معنویت در معماری و شهرسازی). کنگره بین‌المللی معماری و شهرسازی معاصر پیشرو در کشورهای اسلامی. مشهد. ایران.
۲۴. کاویانی، سمیه؛ بهنام‌والا، علی (۱۴۰۴). بررسی مؤلفه‌های کالبدی مؤثر بر حس مکان در مسجد معاصر دانشگاه تهران. فصلنامه معماری سبز. ۱۱ (۴۶)، ۹۷-۱۰۶.
۲۵. مشهدی، علی (۱۴۰۲). تبیین فضا‌مندی در بناهای قدسی ایران، نگرشی به محیط داخلی و بیرونی مساجد معاصر. معماری و شهرسازی آرمان شهر. ۱۶ (۴۳)، ۱-۱۸.
۲۶. نژاد ابراهیمی، احد؛ توران‌پور، محیا (۱۳۹۸). حس مکان در مساجد براساس مطالعه تطبیقی شکل و مکان ساخت فخر و مدین در مساجد تاریخی. پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران. ۹ (۲۰)، ۱۶۵-۱۸۲.
۲۷. ورمقانی، حسنا (۱۴۰۰). رویکردی تحلیلی بر خصلت دعوت‌گری مساجد معاصر (بررسی موردی: مساجد تهران). پژوهش‌های معماری اسلامی. ۹ (۱)، ۱۴۳-۱۲۳.

28. Abbaszadeh, M. J. & Zamani, V. (2020). Evaluating environmental factors affecting the genesis of a sense of holy space in mosques: Case studies of Bazar-e-Tehran Mosque, Tehran University Mosque, Al-Jawad Mosque of Tehran. *Culture of Islamic Architecture and Urbanism Journal*. 5 (2), 45-62. <https://doi.org/10.29252/ciauj.5.2.45>

29. Ahmad, S. & Yasmoon, Z. (2024). Contemporizing Islamic architecture: Adaptive design in Middle Eastern and Central Asian mosques. *Journal of Islamic Architecture*. 8 (3), 210-228. <https://doi.org/10.26418/ijeas.2024.4.02.116-129>

30. Ahmed, A. Q. & Fethi, I. (2024). The effects of modern architecture on the evolution of mosques in Sulaymaniyah. *Buildings*. 14 (11), 3697. <https://doi.org/10.3390/buildings14113697>

31. Azimi sokhanin, M. (2024). Evaluating the sense of place based on physical and perceptual components (case study of the tomb of Shah Nematollah Vali). *International Conference on Hekmat-Based Architecture, Urban Development, Art, Industrial Design, Construction and Technology*. Tabriz. Iran.

32. Braun, V. & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*. 3 (2), 77-101. DOI: 10.1191/1478088706qp063oa

33. Erfani, G. (2020). Sense of place as an investigative method for the evaluation of participatory urban redevelopment. *Cities*. 99, 1-12. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2020.102615>

34. Khanzadeh, M. (2024). Aesthetic and functional analysis of mosque entrance areas in Ottoman and Safavid Empires: A comparative study. *Cogent Arts & Humanities*. 11 (1). 2313262. <https://doi.org/10.1080/23311983.2024.2313262>

35. Norberg-Schulz, C. (1980). *Genius Loci: Towards a Phenomenology of Architecture*. Itly: Rizzoli.

36. Rahman, B. et al (2024). The effects of modern architecture on the evolution of mosques in Sulaymaniyah. *Buildings*. 14 (11), 3697. <https://doi.org/10.3390/buildings14113697>

37. Rajala, K.; Sorice, M. G. & Thomas, V. A. (2020). The meaning(s) of place: Identifying the structure of sense of place across a social-ecological landscape. *People and Nature*. 2 (3), 718-733. <https://doi.org/10.1002/pan3.10112>

38. Sabak, M. et al (2015). Children's sense of attachment to the residential common space. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*. 201, 39-48. <https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2015.08.129>

39. Scannell, L. & Gifford, R. (2010). Defining place attachment: A tripartite organizing framework. *Journal of Environmental Psychology*. 30 (1), 1-10. <https://doi.org/10.1016/j.jenvp.2009.09.006>

40. Shamai, S. (1991). Sense of place: An empirical measurement. *Geoforum*. 22 (3), 347-358. [https://doi.org/10.1016/0016-7185\(91\)90017-K](https://doi.org/10.1016/0016-7185(91)90017-K)
41. Stedman, R. C. (2016). Subjectivity and social-ecological systems: A rigidity trap (and sense of place as a way out). *Sustainability Science*. 11 (6), 891-901. <https://doi.org/10.1007/s11625-016-0388-y>
42. Tuan, Y. F. (1977). *Space and Place: The Perspective of Experience*. Minnesota: University of Minnesota Press.